

نورعلی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد

در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش، در اوضاع و احوالی که موسیقی اصیل ایرانی، همچون دیگر مظاهر فرهنگ ایرانی، مقهور فرهنگ غربی شده بود و با رواج موسیقی‌های بی‌محتوا و سطحی، روبه زوال و انحطاط می‌رفت، نورعلی برومند در صحنه موسیقی ایران ظهور کرد و با ترویج شیوه تدریس سینه‌به‌سینه موسیقی سنتی، در نجات و اعتلای آن کوشید.^۲

او «سرسختانه و کاملاً آگاهانه» با درآمیختن موسیقی غربی با موسیقی سنتی ایران مخالف بود و معتقد بود که «اگر قرار است موسیقی ما تغییری پیدا کند یا تغییری در موسیقی ما داده شود»، این کار باید به تدریج در مسیر تاریخی آن صورت گیرد.^۳ او همچنین با بدیه‌نوازی غلط مخالف بود و اغلب به هنرجویانش تأکید می‌کرد که «ردیف‌ها را خوب یاد بگیرند. وقتی خوب مسلط شدند، براساس آنها بداهه‌نوازی کنند و قطعه‌های نوتری پدید بیاورند»^۴ به قول استاد علی‌اکبر شکارچی، تسلط و احاطه برومند بر چهار مقوله «ردیف‌سازی»، «ردیف آوازی»، «ریتم» و «شناخت وزن شعر فارسی و ارتباط آن با ریتم موسیقی» جامعیتی در او پدید آورده بود که بی‌گمان برای آن نظیری در اقران و معاصرانش نمی‌توان جست.^۵

برومند در سال ۱۲۸۵ش در تهران متولد شد. پدرش، عبدالوهاب‌خان برومند، از جواهرسازان و جواهرشناسان معروف تهران بود که در زمینه پرورش گل نیز مهارت داشت. خانه آنان، در محله امیریه تهران، باغ مصفایش کانون و محفل بزرگان موسیقی ایران بود و همواره از آن نوای تار درویش‌خان، ویولن حسام‌السلطنه، آواز طاهرزاده و سایر هنرمندان معروف آن زمان به گوش می‌رسید.^۶

برومند، که در چنین محیطی پرورش یافته بود، از همان دوران طفولیت «به موسیقی عشق و علاقه» پیدا کرد و «نواهای موسیقی» در روحش اثر فراوان گذاشت؛ چنان‌که از هفت سالگی ضرب می‌نواخت و استادان بزرگ را با ضرب همراهی می‌کرد.^۷ برادرش، محمودعلی برومند، روایت جالبی از شیوه فراگیری ضرب نورعلی دارد:

بچه که بودیم، یک پیراهن بلند می‌پوشیدیم، با یک شلوار. نوری بیشتر توی اتاق‌ها بود و من بیشتر بیرون

نورعلی برومند (۱۲۸۵-۱۳۵۵ش) از حاملان اصلی ردیف موسیقی ایرانی از دوران گذشته به روزگار ماست. او تار را نزد درویش‌خان، سنتور را نزد حبیب سماعی، ردیف میرزا عبدالله را نزد اسماعیل قهرمانی، و آواز را نزد سیدحسین طاهرزاده آموخت و از تجارب استادان مصمصام‌الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، و حاج آقا محمد ایرانی مجرد بهره برد. او موسیقی اروپایی را نیز در آلمان آموخت. برومند سال‌ها مدرس موسیقی دانشکده هنرهای زیبا و از مؤسسان مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. او از چهره‌های شاخص تاریخ موسیقی ایرانی است و در حفظ و انتقال سنت موسیقی ایرانی به روزگار ما نقش مهمی داشته است. در این مقاله، اسنادی درباره برومند و زندگی او منتشر و بررسی می‌شود.



جناب آقای دکتر پروین بسکی، معاون محترم تعلیمات و تحقیقات
دانشکده هنرهای زیبا

مطابق بفرستاده شماره ۶۸۸۵-۱۳/۱۱/۱۳۹۲ با جمع به آقای نورعلی برومند
هنرمند بنام کشور نظراً اینچنانچه برای اعطای رتبه استادی به ایشان استفسار
نموده اید تصدیق می‌گردد.

برای من بسیار غیر عادی است که یکی از ثمرات انقلاب آموزش جبران
محمودیت‌های نابجا و اعطای حق به حق دایمان باشد.
استادی آقای نورعلی برومند در زمینه موسیقی اصیل ایرانی، تئوری است که هنرمندان
طراز اول این کشور چگلی برآیند. من تصدیق می‌کنم که آقای برومند تنها وارث هاست
و ستار هنرموسیقی سنتی ایران می‌باشد و از نظر اعطای این مقام را به این استاد ارجح
به دانشگاه تهران تیریک می‌کنم و سرت خود را از ثمرات تئوری انقلاب آموزش نتوان
کفایت کم - ع

علیرحمده حدریان

توی گل‌ها و سبزه‌ها و درخت‌ها بودم. بعضی اوقات که
از بیرون می‌آمدم، می‌دیدم نوری خوابیده و پیراهنش
را بالا زده و روی شکمش ضرب می‌گیرد. در واقع
نوازندگی تنبک را این طور شروع کرد!

برومند از سیزده سالگی به تشویق پدرش به مدت
سه سال نزد غلام‌حسین‌خان درویش، استاد مسلم تار،
یک دوره ردیف موسیقی ایران را فراگرفت.^۹ علاقه مفرد
او به موسیقی و غفلت از درس و تحصیل و نایب‌ناشدن
یکی از چشمانش بر اثر اصابت ضربه مشت یکی از
همبازی‌هایش باعث شد تا پدرش او را در شانزده سالگی
برای تحصیل و معالجه چشم به برلین بفرستد.^{۱۰} تا قبل
از آن، او در مدارس خرد، شرف مظفری، و دارالفنون تا
کلاس هشتم دبیرستان تحصیل کرده بود.^{۱۱} او در آلمان
به زبان آلمانی تسلط کامل یافت و موفق به اخذ دیپلم
متوسطه شد. تسلط او به زبان آلمانی به حدی بود که در
مجلات آلمانی مقاله می‌نوشت.^{۱۲} در این مدت، به‌رغم این
که روشنگر (سه‌تار کوچکش) را با خود به آلمان برده
بود، هرگز از آن استفاده نکرد؛^{۱۳} زیرا «معتقد بود موسیقی
ایرانی با فرهنگ و نحوه زندگی اروپاییان کاملاً منافات

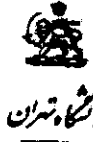
دارد»^{۱۴} و «فقط محیط بومی ماست که زمینه را برای
موسیقی ایرانی مهیا می‌کند»^{۱۵}. برومند به موسیقی اروپایی
علاقه‌مند شد و به آموختن پیانو پرداخت و با سبک‌های
مختلف موسیقی اروپایی، به‌ویژه سبک موتسارت، آشنا
شد.^{۱۶} و در آنها چندان مطالعه و بررسی کرد که استادانش
به او پیشنهاد کردند در زمینه موسیقی غربی تحصیل کند.^{۱۷}
وقتی که برومند پس از اخذ دیپلم به ایران بازگشت،
استادش، غلام‌حسین‌خان درویش، در قید حیات نبود.
بنا بر این، در مدت اقامت کوتاه‌اش در ایران (یک
سال) نزد یوسف فروتن و ابوالحسن صبا به تمرین سه‌تار
پرداخت.^{۱۸} در همین مدت بر دانش و مهارت خود در
زبان‌های فرانسوی و انگلیسی نیز افزود.^{۱۹}

در سال ۱۳۰۸ ش، در حالی که ۲۳ سال از عمرش
می‌گذشت، به‌رغم علاقه‌اش به موسیقی، به اصرار پدر
برای فراگرفتن علم طب مجدداً عازم برلین شد. او طی نه
سال تا مراحل پایانی رشته پزشکی پیش رفت؛ اما بر اثر
از دست دادن بینایی، تحصیل در پزشکی را رها کرد و
ناچار در سال ۱۳۱۷ ش به ایران بازگشت.^{۲۰} گویا تقدیر
چنین بود که برومند با از دست دادن کامل بینایی و رها
کردن پزشکی، تمام قوای خود را صرف حفظ و پیشبرد
موسیقی ایرانی کند و به جای تلاش در مسیر سلامت
جسم هم‌وطنانش، به سلامت روح آنان کمک کند.

آشنایی کامل به موسیقی غربی و تسلط بر نواختن
پیانو در کنار تسلط بر زبان و ادبیات آلمانی و فرانسوی
و انگلیسی حاصل اقامت چهارده‌ساله برومند در اروپا
بود.^{۲۱} برومند پس از بازگشت به ایران، به مدت دوازده
سال فنون سنتور را نزد حبیب سماعی، «بزرگ‌ترین و
آخرین استاد مطلع این ساز»، آموخت.^{۲۲} سپس طی
سیزده سال، «تمام مطالبی» را که اسماعیل قهرمانی «از
موسیقی ملی ایران در ضبط داشت» فرا گرفت.^{۲۳}

آرزو داشتم که آنچه از علم و عمل انباشته نگه داشتم،
به آموزگاری خوش‌ذوق و حافظه و مستعد به یادگار
بسپارم [...]؛ تا اینکه از طرفین سعادت یاری و جاذبه
معنوی جذب کرده به محضر مغتنم سرور مکرم خودم،
آقای نورعلی‌خان برومند، خوانده شدم و هرچه از پیر
استاد داشتم به ودیعه سپردم و در نظم و نثر موسیقی،
روایت ایشان را تصدیق می‌دانم و تصدیق دارم.^{۲۴}

برومند علاوه بر تسلط بر رموز ساز، به رموز آواز



کتابخانه ملی و اسناد ایران

تأسیسات موسیقی و هنرهای نمایشی

فهرست اسامی دانشمندان و استادان موسیقی ایرانی
 گروه موسیقی ملی ایران
 گروه موسیقی ارکستر سمفونیک ایران
 گروه موسیقی ارکستر اپرا و اپرا-آپرا
 گروه موسیقی ارکستر رقص ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص کلاسیک ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص فولکلور ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص مدرن ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص غربی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص شرقی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص ترکی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص روسی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص بلاروس ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص لهستانی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص چک-اسلواکی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص آلمانی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص ایتالیایی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص فرانسوی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص اسپانیایی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص پرتغالی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص برزیلی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص آرژانتینی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص کلمبیایی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص کوبایی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص کلمبیایی ایرانی
 گروه موسیقی ارکستر رقص کلمبیایی ایرانی

مجلس اساتید موسیقی ایران
 هیئت مدیره
 هیئت نظارت
 هیئت اجرایی
 هیئت تخصصی
 هیئت فرهنگی
 هیئت اجتماعی
 هیئت اقتصادی
 هیئت حقوقی
 هیئت پزشکی
 هیئت ورزشی
 هیئت تفریحی
 هیئت علمی
 هیئت ادبی
 هیئت هنری
 هیئت فنی
 هیئت اجرایی
 هیئت نظارت
 هیئت تخصصی
 هیئت فرهنگی
 هیئت اجتماعی
 هیئت اقتصادی
 هیئت حقوقی
 هیئت پزشکی
 هیئت ورزشی
 هیئت تفریحی
 هیئت علمی
 هیئت ادبی
 هیئت هنری
 هیئت فنی

نیز آشنایی کامل داشت؛ و همان طور که خود گفته، اگرچه «از صوت خوش بی نصیب» بود؛ «برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده» استفاده کرد و «آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می برد آنها را به وسیله خود او روی نوار ضبط» کرد و «به تتبع و مطالعه دقیق روی آنها» پرداخت تا بتواند «حالات الحان و نغمات ملی را، هم روی ساز و هم روی آواز به خوبی مقایسه» کند و خصوصیات آنها را دریابد.^{۲۵} او در آواز از سبک طاهرزاده، که منتسب به مکتب آواز اصفهان بود، استفاده می کرد.^{۲۶} از آنجا که برومند سه تار را از «سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایران» می دانست، در «نوازندگی این ساز اصیل و اهل دل» کوشش بسیار کرد.^{۲۷}

برومند در مسیر کسب دانش موسیقی سنتی، به جز استادانی که ذکر شد، از تجارب ارزشمند کسانی همچون صمصام الدوله، رضا روانبخش، عبدالله دوامی، و حاج آقا محمد ایرانی مجرد بهره برد؛ و در واقع، همچنان که خود گفته است، «استاد مطلع و سرشناسی در مملکت نبود که از محضرش استفاده» نکند و «با از شاگردی اش بهره مند» نشود؛^{۲۸} «خلاصه آن که هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می کردم که آهنگ اصیلی وجود دارد اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می کردم»^{۲۹}

برومند پس از مراجعت به ایران، با کمک و تشویق نوری اسفندیاری، وزیر وقت پیشه و هنر، که نسبت دوری هم با خانواده او داشت، به استخدام وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش وقت) درآمد؛^{۳۰} و از سال ۱۳۱۸ تا ۱۳۴۳ش به تدریس زبان و ادبیات آلمانی در هنرسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران پرداخت.^{۳۱}

حقیقی گنجینه گران بهای موسیقی ملی» نامید؛ و بر اساس پیشنهاد شورای گروه موسیقی، خواستار تصویب درجه استادی او شد. با توجه به نکات مهمی که در این نامه در خصوص نورعلی برومند و وضع موسیقی سنتی ایران در آن زمان هست، متن کامل آن در ذیل عرضه می شود:

سند شماره ۱

[شیر و خورشید]

دانشگاه تهران

تاریخ: ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۷، ضمیمه: ۵ برگ مدارک و چهار برگ ضمیمه گزارش

مقام محترم معاونت تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده هنرهای زیبا

چنان که استحضار دارند، آقای نورعلی برومند، استاد موسیقی سنتی این دانشکده، از بدو تأسیس رشته و گروه موسیقی در این دانشکده، به امر تدریس موسیقی اصیل ایرانی اشتغال دارند و در این مدت چند سال توانستند شاگردان ممتازی تربیت کرده و

نورعلی برومند به روایت اسناد

دوره هفتم تهران، آبان ۱۳۴۶ تا بهمن ۱۳۴۶

توسعه و گسترش رشته‌های مختلف هنرهای نمایشی در کشور و به منظور ارتقای سطح علمی و فنی دانشجویان و اساتید محترم، در این دوره هفتم، اقدام به برگزاری کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف گردید. این کارگاه‌ها در دو بخش «تئوری» و «عملی» برگزار شد. در بخش تئوری، موضوعات مختلفی از جمله تاریخچه هنرهای نمایشی، مبانی نظری و فلسفه هنر، و در بخش عملی، تمرین‌های عملی در زمینه‌های مختلف از جمله بازیگری، کارگردانی، طراحی صحنه و نورپردازی، برگزار گردید. این کارگاه‌ها با حضور اساتید مجرب و دانشجوین علاقه‌مند برگزار شد و نتایج بسیار خوبی را در پی داشت.

در بهمن ماه ۱۳۴۶، در محل سالن آمفی‌تئاتر تهران، جشنواره‌ای برگزار شد. در این جشنواره، آثار دانشجویان و اساتید در زمینه‌های مختلف از جمله نمایش، فیلم، و عروسک‌گردانی، به نمایش درآمد. این جشنواره با حضور هیئت داوران مجرب برگزار شد و نتایج بسیار خوبی را در پی داشت.

در بهمن ماه ۱۳۴۶، در محل سالن آمفی‌تئاتر تهران، جشنواره‌ای برگزار شد. در این جشنواره، آثار دانشجویان و اساتید در زمینه‌های مختلف از جمله نمایش، فیلم، و عروسک‌گردانی، به نمایش درآمد. این جشنواره با حضور هیئت داوران مجرب برگزار شد و نتایج بسیار خوبی را در پی داشت.

دوره هفتم تهران، آبان ۱۳۴۶ تا بهمن ۱۳۴۶

توسعه و گسترش رشته‌های مختلف هنرهای نمایشی در کشور و به منظور ارتقای سطح علمی و فنی دانشجویان و اساتید محترم، در این دوره هفتم، اقدام به برگزاری کارگاه‌های تخصصی در زمینه‌های مختلف گردید. این کارگاه‌ها در دو بخش «تئوری» و «عملی» برگزار شد. در بخش تئوری، موضوعات مختلفی از جمله تاریخچه هنرهای نمایشی، مبانی نظری و فلسفه هنر، و در بخش عملی، تمرین‌های عملی در زمینه‌های مختلف از جمله بازیگری، کارگردانی، طراحی صحنه و نورپردازی، برگزار گردید. این کارگاه‌ها با حضور اساتید مجرب و دانشجوین علاقه‌مند برگزار شد و نتایج بسیار خوبی را در پی داشت.

در بهمن ماه ۱۳۴۶، در محل سالن آمفی‌تئاتر تهران، جشنواره‌ای برگزار شد. در این جشنواره، آثار دانشجویان و اساتید در زمینه‌های مختلف از جمله نمایش، فیلم، و عروسک‌گردانی، به نمایش درآمد. این جشنواره با حضور هیئت داوران مجرب برگزار شد و نتایج بسیار خوبی را در پی داشت.

توجهی که به این امر ملی معطوف می‌گردد، رغبتی برای تدریس نشان نمی‌دادند؛ چون تأسیس رشته موسیقی را در دانشکده کاری اساسی دانسته و در نگهداری سنت موسیقی ایران به فال نیک گرفته و در این وظیفه ملی خود را شریک دانستند، دعوت فوق را پذیرفته و با کمال علاقه به تدریس پرداخته‌اند.

آقای نورعلی برومند پس از طی تحصیلات متوسطه و اخذ لیسانس علوم طبیعی، تحصیلات عالی خود را تا حدود خاتمه تحصیل (یک سال مانده به دوره دکتری) ادامه دادند (مدرک شماره ۱، ارزشنامه تحصیلی). قبل از عزیمت به آلمان و ابتدای جوانی، با عشق و علاقه خاصی طی سال‌های متوالی، یک دوره کامل موسیقی ایرانی را با تار نزد استاد بزرگ، درویش‌خان، تعلیم گرفته و پس از مسافرت به آلمان نیز مرتباً با اسباب‌های موسیقی و ردیف موسیقی ایران تماس داشته‌اند.

از سال ۱۳۱۷ به بعد که فرصت بیشتری یافتند، نواختن سازهای سنتار و سنتور را نزد اساتید فن، مانند حبیب سماعی، حسین هنگ‌آفرین، و به‌خصوص اسماعیل قهرمانی، که کلیه موسیقی‌دانان کشور به‌عنوان آنان در مورد ردیف موسیقی ایران معترف بودند، فراگرفته و ردیف آواز را با استاد بزرگ، طاهرزاده، تکمیل نمودند و تاکنون نیز هیچ‌گاه از مطالعه ردیف‌ها و گوشه‌های اصیل موسیقی ایرانی غافل نماندند. و اکنون که استادان فوق همگی دار فانی را وداع گفته‌اند، بدون مجامله می‌توان ایشان را وارث حقیقی گنجینه گرانمای موسیقی ملی دانست.

تدریس آقای برومند در دانشکده از بدو تأسیس رشته موسیقی مورد توجه مؤسسات تحقیقاتی موسیقی‌شناس دنیا قرار گرفت؛ چنانچه طی چند سال گذشته، عده‌ای از موسیقی‌شناسان بنام دنیا به منظور تحقیق در چگونگی روش تدریس موسیقی سنتی به دانشکده آمده و در درس ایشان حضور یافتند؛ از آن جمله‌اند: پروفسور آلن دانیلو، مدیر انستیتوی بین‌المللی مطالعات مقایسه‌ای

بعضی از ممالک به این قصور پی برده و پیش از آنکه خطر چیرگی موسیقی غربی بر سراسر فعالیتهای موسیقی کشور موسیقی ملی را دستخوش اضمحلال کامل نماید، در صدد چاره‌جویی برآمدند. از آن جمله‌اند ژاپن، که نماینده‌اش در کنفرانس بین‌المللی «آموزش موسیقی در کشورهای شرق» (در تهران از ۱۶ تا ۲۱ شهریور ۱۳۴۶)، اظهار نمود: «چند سال پیش وزارت آموزش ژاپن بی‌به‌اهمیت موسیقی سنتی برد و بخشی از برنامه را به این موسیقی اختصاص داد. این توجه در نتیجه اقبال مردم ژاپن به این موسیقی بود. این دگرگونی را باید با این مثال بیان کرد که ژاپنیان در ابتدای کار به موسیقی اروپایی، مثلاً به بهون، گویی از پایین کوه به قله می‌نگریستند؛ و پس از آنکه اندک‌اندک از کوه بالا رفتند و به قله رسیدند، یعنی در مکتب‌های موسیقی غربی به درجه‌نهایی رسیدند، قله دیگری جلب نظر ایشان را نمود و آن موسیقی سنتی ژاپنی بود.»

دانشکده هنرهای زیبا از بدو تأسیس رشته موسیقی، با روشن‌بینی خاص و اینکه هرگونه تحول موسیقی ایران باید بر مبنای سنن قدیمی موسیقی ایرانی استوار باشد، در صدد جبران این نقیصه برآمد؛ و از آنجا که آقای نورعلی برومند در اثر ممارست مداوم و علاقمندی وافر، شاید بدون اغراق تنها وارث سنت قدیمی موسیقی ایران می‌باشند، از ایشان دعوت به عمل آورد که تدریس و تعلیم موسیقی سنتی ایران را به عهده بگیرند. مشارالیه، که تاکنون در هیچ‌یک از مؤسسات دولتی و آموزشگاه‌ها، به سبب عدم

نورعلی برومند به روایت استاد

موسیقی در برلن، آقای دکتر تران وانکه، مدیر مرکز مطالعات موسیقی شرقی در انستیتوی موزیکولوژی پاریس، وابسته به سوربن، و آقای پروفیسور رینگر، مدیر گروه موسیقی دانشگاه ایلنوی.

آقای برومند در سال ۱۹۶۷ برای ایراد سخنرانی و تدریس موسیقی ایرانی در دانشگاه ایلنوی به آمریکا دعوت شدند (مدرک شماره ۲) و نتیجه کارشان در معرفی فرهنگ موسیقی ایران در آنجا بسیار ثمربخش بود (مدرک شماره ۳). اکنون نیز از طرف آن دانشگاه، آقای پروفیسور تل با استفاده از بورس فول برای به دانشگاه تهران آمده و نزد آقای برومند به فراگرفتن اصول موسیقی ایرانی مشغولاند، که در مراجعت به دانشگاه ایلنوی، منابعی برای گروه موسیقی آن دانشگاه فراهم سازند. آقای تل ضمن گزارشی، نظریه خود را مبنی بر لزوم تقویت گروه موسیقی دانشگاه ابراز داشتهاند (مدرک شماره ۴).

با توجه به مقدمات فوق و اهمیتی که تدریس موسیقی سنتی در دانشگاه دارد و در این زمینه مدرسی غیر از آقای برومند در ایران وجود ندارد؛ و با توجه به سوابق علمی و فنی آقای نورعلی برومند؛ شورای گروه موسیقی دانشگاه هنرهای زیبا مقام استادی ایشان را تصدیق و برای تصویب در شورای دانشگاه پیشنهاد می‌نماید. به منظور جلب نظر آقایان اعضای شورا، دنباله گزارش آقای پروفیسور کی شبیه، نماینده ژاپن در کنفرانس بین‌المللی آموزش موسیقی در تهران، که در بالا به آن اشاره شد، عیناً نقل می‌شود: «... وزارت آموزش و پرورش ژاپن روشی برای نگاهداری و حفظ موسیقی سنتی با وضع کردن یک قانون در پیش گرفته است. این قانون به گروهی از موسیقی‌دانان نامی عنوان میراث ملی داده و ایشان را رسمیتی خاص بخشیده است. این امر موجب تشویق موسیقی سنتی شده است [...]». در پایان می‌خواهم پیشنهاد کنم که کشورهایی که می‌خواهند موسیقی کشور خود را مدرنیزه کنند، نباید از موسیقی سنتی خود غفلت ورزند، آنچنان که ژاپن تا صد سال چنین کاری کرد؛ زیرا من معتقدم که هر کشوری با حفظ موسیقی مخصوص خود می‌تواند به گنجینه موسیقی جهان خدمتی شایان کند.»

گروه موسیقی دانشگاه هنرهای زیبا

[امضا: دکتر برکشلی]

[حاشیه راست، اول: جناب مظاهری، در شورا] [دانشگاه]

مطرح گردد. [امضا: محمدامین میرفندرسکی] ۴۷/۹/۱۸

[حاشیه راست، دوم: در جلسه مورخ ۴۷/۹/۲۷ شورای دانشگاه]

هنرهای زیبا مطرح و استادی ایشان مورد تصویب قرار گرفت.

[امضا: مظاهری] ۳۳

پس از ارسال این نامه، محمدامین میرفندرسکی، معاون تعلیماتی و تحقیقاتی دانشکده، به منظور تکمیل پرونده ارتقای رتبه برومند، از دو نفر از شخصیت‌های بارز علمی و هنری دانشگاه تهران تقاضا کرد تا در خصوص صلاحیت او برای کسب مقام استادی اظهار نظر کنند. ۳۳ علی محمد حیدریان، دایمی برومند و استاد دانشگاه و نقاش معروف، یکی از این شخصیت‌ها بود که اظهار کرد:

استادی آقای نورعلی برومند در زمینه موسیقی اصیل ایرانی قوی است که هنرمندان طراز اول این کشور جملگی برآن‌اند. من تصدیق می‌کنم که آقای برومند تنها وارث شایسته و ممتاز هنر موسیقی سنتی ایران می‌باشد. ۳۵

اما اظهار نظر دکتر محسن هشترودی، استاد دانشکده علوم دانشگاه تهران، حاوی توصیف‌ها و نکات ویژه‌ای درباره برومند است:

سند شماره ۲

۱۴ بهمن ماه ۱۳۴۷

متجاوز از چهارده سال است که امضاکننده، محسن هشترودی، آقای نورعلی برومند را می‌شناسم و از همان زمان که هم‌نشین دبیرستانی بودیم، میزان اطلاع و علاقه ایشان به موسیقی زباززد همکاران تحصیلی بود. وسعت اطلاع ایشان در سال‌های اخیر با ممارست فنی و درک هنری عمیق، ایشان را به استادی مسلم موسیقی کلاسیک ایرانی اصیل ناآل ساخته است. حدیث هنرشناسی از بی‌بصیرتی چون من دعوی باطل به نظر می‌رسد؛ ولی ساعات و روزگارهایی که در محضر استاد، مستفید از پنجه توانای او بودم، هنوز مرا به خاطر است که چگونه تارهای بی‌جان آلات موسیقی به سرانگشت سحرآفرین او گویای رازهای درون مستمعین می‌گردید و چه ناله‌هایی در سکوت مطلق در خاطر آشفته‌گان، سوز غوغا می‌کرد.

گذشت ایام بر هنرمندان چون مردم عادی نیست و بی‌شک کمال فسانه آنان در پوشیدگی و خفا صورت می‌گیرد. اگر ملاک استادی حصول این کمال باشد، آقای برومند شایسته‌ترین فردی است، که استادان دیگر را با همکاری خود سرفراز و دلخوش می‌سازد. امضاکننده شایستگی آقای برومند را به استادی از صمیم دل و نهان‌خانه ضمیر تصدیق می‌کنم؛ نه از جهت افتخاری که به استادی ناآل شده‌ام، بلکه از جهت بستگی درونی که با هنر

سحرآفرین استاد توانا، آقای برومند، داشته و دارم. در این داستان، زمان از گذشت می‌ایستد و ارزش هنری را جز با بی‌خودی نمی‌توان شناخت. «دقیقه‌ای است نهانی که فضل از آن خیزد»؛ و در این آتات، ابدیت جلوه می‌کند و از همان لیلۃ‌القدری است که قرآن مجید به «سلام می‌حی مطلع الفجر» یاد می‌کند.

استاد دانشکده علوم
محسن هشترودی [امضا]^{۳۶}

سراخچام، پس از مکاتبات و طی مراحل اداری، برومند به استناد بند ۵ مصوبه بیستمین جلسه هیئت امنای دانشگاه تهران، از اول دی ماه ۱۳۴۸ با حقوق ماهی چهل هزار ریال به سمت استاد تمام وقت گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا منصوب شد^{۳۷} و پس از خدماتی ارزنده و ماندگار به دانشجویان و گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا، از اول مهرماه ۱۳۵۵ بازنشسته شد.^{۳۸}

یکی دیگر از مراکزی که برومند در آن منشأ خدماتی ارزنده به موسیقی سنتی کشور شد و در آنجا به تربیت شاگردانی برای نسل‌های بعد پرداخت مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی بود. این مرکز، که زیر نظر رادیو و تلویزیون ملی ایران بود، در سال ۱۳۴۹ش با هدف «بازسازی و اشاعه موسیقی سنتی ایران» با مسئولیت اداری داریوش صفوت و مسئولیت هنری نورعلی برومند تأسیس شد.^{۳۹} به اعتبار حضور برومند، این مرکز محفلی برای تدریس استادان بزرگی همچون عبدالله دوامی و علی‌اکبر شهنازی و اصغر بهاری شد. برومند پس از چند سال فعالیت در این مرکز، هنگامی که احساس کرد شیوه‌ای که مدیر مرکز برای اشاعه و پیشبرد موسیقی سنتی ایران در پیش گرفته مغایر با اهداف اولیه آن است، در تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۵۲ از همکاری با مرکز استعفا^{۴۰} و به تدریس در دانشگاه تهران و منزل خود اکتفا کرد.^{۴۱} از دیگر فعالیت‌های برومند می‌توان به پیشنهاد برگزاری آزمون بارید، شش ماه پیش از وفات،^{۴۲} همکاری با روح‌الله خالقی در تدوین کتاب سرگذشت موسیقی ایران، ضبط ردیف میرزا عبدالله به منظور تکثیر برای هنرجویان، ضبط ردیف حسین طاهرزاده با صدا و همراهی سه‌تار برومند، جمع‌آوری تصانیف و اشعار آنها و ضبط آثار قدیمی^{۴۳} و تدریس چند هفته‌ای در دانشگاه ایلینوی (ایلینویز) آمریکا در سمت استاد مدعو در سال

۱۳۴۶ یاد کرد.^{۴۴}

همچنین باید از تربیت شاگردان بسیاری، همچون محمدرضا شجریان و سیدنورالدین رضوی سروستانی در آواز؛ حسین علیزاده، داریوش طلائی، محمدرضا وطنی، جلال ذوالفنون در تار و سه‌تار؛ مجید کیانی، جلیل عندلیبی، هوشنگ کامکار، پرویز مشکاتیان در سنتور؛ محمدعلی حدادیان و محمدعلی کیانی‌نژاد در نی؛ داود گنج‌ای و علی اکبر شکارچی در کمانچه یاد کرد، که هر کدام از آنها بعدها از استادان برجسته در رشته خود شدند.^{۴۵}

برومند سراخچام در دوم بهمن ۱۳۵۵ش در هفتادسالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در قبرستان ظهرالدوله تهران به خاک سپرده شد.^{۴۶}

در اوایل دهه ۱۳۵۰ش، سازمان رادیو و تلویزیون ایران ردیف نورعلی برومند را ضبط کرد و بعدها به صورت غیررسمی، با کیفیتی نامطلوب، منتشر کرد. در سال ۱۳۷۰ش نیز ژان دورینگ، شاگرد فرانسوی برومند، متن نت‌نویسی شده آن را همراه با نوارهای برومند در تهران منتشر کرد. مجموعه اجراهای برومند به صورت نوار همراه با کتاب نت ردیف او نیز در سال ۱۳۷۲ش منتشر شد.^{۴۷}

در پایان، زندگی‌نامه مختصری به روایت خود برومند عرضه می‌شود، که هم بسیار معتبر است و هم نکته‌های جالبی در بر دارد:

سند شماره ۳

این‌جانب، نورعلی برومند، فرزند میرزا عبدالوهاب‌خان برومند، در سال ۱۲۸۵ شمسی در تهران متولد شدم. تحصیلات ابتدایی را در مدارس خرد و شرف مظفری به پایان رسانیده و دوره دبیرستان را تا کلاس هشتم در مدرسه دارالفنون طی نمودم. سپس برای ادامه تحصیل به آلمان عزیمت، در شهر برلن مشغول تحصیل شدم. سپس به ایران مراجعت و مدت یک‌سال را که در ایران بودم، برای تکمیل زبانهای فرانسه و انگلیسی کوشش فراوان کردم و تمام این مدت را به ادامه تحصیل در این دو زبان به سر بردم؛ و بعد از این یک‌سال توقف در ایران، در سال ۱۳۰۸ برای ادامه تحصیلات خود در رشته عالی مجدداً به برلن عزیمت و وارد دانشکده طب دانشگاه دولتی فردریش‌ویلهلم در برلن شدم. شش سمستر را (دو سال و نیم) طی کرده و با موفقیت امتحان اولیه دوره طب (فیزیکوم) را انجام دادم. بعد از امتحان اولیه طب، پنج سمستر دیگر را طی کردم

به تدریس زبان و ادبیات آلمانی اشتغال جستم.
در سال ۱۳۴۳ شمسی، به درخواست دانشکده هنرهای
زیبای تهران مشغول تدریس و تحقیق موسیقی ایرانی در آن دانشکده
شده و با علاقه و پشتکار تاکنون تدریس این رشته را ادامه
دادام.

راجع به تحصیل و کارهای هنری:
این جانب از زمان طفولیت ذاتاً به موسیقی عشق و علاقه
می‌ورزیدم؛ و چون پدرم غالباً با بزرگان اهل هنر و موسیقی حشر
و نشر داشت و اکثر اساتید فن موسیقی اطراف او جمع بودند،
نواهای موسیقی در روح اثر فراوان گذاشته بود؛ به طوری که
در سن هفت سالگی با نواختن ضرب بمخوبی آشنایی پیدا کردم و
در همان ایام، نوازندگی اساتید بزرگ را با ضرب همراهی می‌کردم
و تشویق اساتید مرا در تعقیب این هنر، که خود فریفته آن بودم،
پیش از پیش ترغیب می‌کرد. در سن سیزده سالگی، چون ایام
تعطیل تابستان فرارسید، پدرم که خود اهل هنر بود، مرا در تحصیل
موسیقی و خوشنویسی تشویق کرد و در انتخاب و تعقیب یکی از
این دو هنر مختار نمود. من هم به ساقه ذوق شخصی به موسیقی،
دنبال این رشته از هنر را گرفتم. مدت سه سال نزد غلامحسین خان
درویش، استاد مسلم تار زمان، یک دوره ردیف‌های اصیل موسیقی
ایران را نواختم و فرا گرفتم. به واسطه عزیمت من به اروپا ادامه
تحصیل، مدت یکی دو سال تعقیب رشته هنری من متوقف شد؛
ولی از آنجا که موسیقی مرا به سمت خود می‌کشاند، وارد دنیای
موسیقی غرب شدم و آهنگ‌های غربی و اختلاف آهنگ‌سازان آنها
مرا به خود مشغول می‌نمود و در آن دنیای پر عظمت هنر، به تدریج
این اختلافات را مورد مطالعه قرار می‌دادم. و پس از چند سال،
تقریباً تمام تصنیفات و تألیفات آهنگ‌سازان بزرگ دنیا در خاطر من
بسته و تمیز و تشخیص آنها برابم میسر بود. مریبان من در آن زمان
که این استعداد را در من مشاهده نمودند، مرا تشویق کردند که به
تحصیل موسیقی غربی پردازم و چند سالی در این رشته تحصیل و
مطالعه کردم و بیانو نواختم.

حس ملیت و اطلاعات من در موسیقی ایرانی این آرزوی
مرا که همیشه با خود فکر می‌کردم که لازم است تحقیق و مطالعه
فراوان در موسیقی کشور خود بنمایم، از بدو مراجعت به ایران،
یعنی از سال ۱۳۱۷ شمسی برای انجام این کار بزرگ و دقیق کمر
همت بستم و تا کون لحظهای از آن غافل نبودم؛ به طوری که استاد
مطلع و سرشناسی در مملکت نبود که از محضرش استفاده نکم و
با از شاگردی‌اش بهر مند نشوم؛ و تمام هم و قصد من این بود که
آنچه آنها دارند فراگیرم. به همین نظر، مدت دوازده سال نزد حبیب

تأسیس در هنرهای عالی است...
در سال ۱۳۴۳ شمسی...
در این رشته از هنر را گرفتم...
مدت سه سال نزد غلامحسین خان درویش...
در این رشته از هنر را گرفتم...
مدت سه سال نزد غلامحسین خان درویش...
در این رشته از هنر را گرفتم...
مدت سه سال نزد غلامحسین خان درویش...

(در مدت دو سال و نیم). موقعی که می‌خواستم خود را برای
امتحان نهایی طب آماده نمایم، حادثه غیرمنتظره‌ای برای این جانب
پیش آمد کرد؛ به این معنا که چشمم خونریزی شدید نمود. اطبای
متخصص چشم، که خود اساتدان این جانب در دانشکده بودند، مرا
منع از دادن امتحان و کار زیادتر کردند. در نتیجه اجباراً به معالجه
چشم پرداختم و به توصیه اطبا، که شدیداً مرا از کار طبابت منع
می‌نمودند، ناگزیر به ترک رشته پزشکی شده و به تهران مراجعت
نمودم.

ضمناً در مدت چهارده سالی که در اروپا مقیم بودم، به
مناسبت عشق و ذوقی که شخصاً به زبان و ادبیات داشتم، علاوه
بر تحصیل این دو زبان، مسافرت‌هایی که در ایام تعطیلات به شهرهای
فرانسه و انگلستان و بلژیک می‌کردم، به تسلط من در این دو زبان
کمک فراوان می‌کرد. تسلط و علاقه شخصی من به این سه زبان و
ادبیات آنها، مرا پس از مراجعت به ایران بر آن داشت که به تدریس
زبان مشغول شوم. به همین مناسبت، به استخدام وزارت فرهنگ
وقت (آموزش و پرورش کنونی) در آردم و از سال ۱۳۱۸ شمسی تا
سال ۱۳۴۳ در هنرسرای عالی و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

سماعی، که بزرگترین و آخرین استاد مطلع این ساز شناخته بود، به زدن سنتور و آموختن ردیف و آگاهی به رموز نوازندگی این ساز مشغول شدم. و مدت سیزده سال از یکی از اساتید تار، به نام اسماعیل قهرمانی، که به دانستن ردیف موسیقی ملی مشهور بود و از معمرین اهل فن به شمار می آمد، استفاده کردم و تمام مطالبی که این استاد از موسیقی ملی ایران در ضبط داشت آموختم و نواختم. و با اینکه از صوت خوش بی نصیب بودم، برای اطلاع از رموز خوانندگی، از وجود یکی از مشهورترین خوانندگان اصیل عصر خود، به نام سیدحسین طاهرزاده، استفاده کردم و آنچه طاهرزاده در خوانندگی خود به کار می برد آنها را به وسیله خود از روی نوار ضبط کردم و به تبع و مطالعه دقیق روی آنها می پرداختم، تا بتوانم حالات الحان و نغمات ملی را هم روی ساز و هم روی آواز به خوبی مقایسه کنم و خصوصیات آنها را دریابم.

با توجه به اینکه ستار یکی از سازهای اصیل و قدیمی و کامل موسیقی ایرانی است و معمولاً بزرگان اهل دل و دانشمندان صاحب ذوق و هنر از آن استفاده می کردند و از سازهای مجالس عیش و طرب نبود؛ این ساز، که نواختن آن دارای رموز و خصوصیات بود، مرا بر آن داشت که در نوازندگی این ساز اصیل و اهل دل هم کوشش کنم. این بود که از چند تن استاد مسلم این فن استفاده کردم و سالها در آن تمرین و ممارست نمودم. خلاصه آنکه هر کجا و هر گوشه که اطلاع پیدا می کردم که آنکس اصیلی وجود دارد، اقدام در آموختن و به دست آوردن آن می کردم و آنها را در مغز خود ضبط می نمودم؛ و هنوز نیز در جستجوی آهنگهای اصیل هستم.

در سال ۱۳۴۵ شمسی، با آقای پروفیسور دکتر تیل، که برای مطالعه موسیقی ایرانی از دانشکده موسیقی دانشگاه ایلینویز به تهران آمده بود، تصادف کردم؛ و مشارکاً پس از دو جلسه که از اطلاع من به موسیقی ملی ایران و قوف حاصل کرد، اقدام نمود که دانشگاه ایلینویز رسماً به وسیله دانشکده هنرهای زیبای تهران از این جانب دعوت به عمل آورد که مدت یک ماه یا چند ساعت تدریس در هفته به عنوان «ویزیتینگ پروفیسور» در دانشکده دانشگاه ایلینویز دانشجویان فوق لیسانس آن دانشکده را به موسیقی ایرانی وارد نمایم. این کار با موفقیت فوق العاده انجام شد و مدارک این موفقیت در پرونده موجود و شاهد آن است. موفقیت این جانب به اندازه ای بود که دانشجویان و اساتید آمریکایی به طوری علاقمند به موسیقی ملی ما شدند که هم اکنون آقای پروفیسور تیل مجدداً برای مطالعه موسیقی ملی ما برای مدت یک سال به تهران آمده و با راهنمایی این جانب مشغول تبع و تحقیق و تمرین است و به حفظ روابط هنری

دانشگاه ایلینویز با دانشکده هنرهای زیبا تمایل بسیار دارد.

با تقدیم احترام
نورعلی برومند^{۲۸}

□

کتاب نامه

- بهارى، اصغر. «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- برکشلی، مهدی. «مرگ برومند، فقدان جبران ناپذیر». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- برومند، محمودعلی. «گفت و گو با مهندس محمودعلی برومند». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- پرونده پرسنلی نورعلی برومند. در: بایگانی راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
- حدادیان، محمدعلی. «استاد استادان». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- خالقی، روح الله. «خالقی از برومند می گوید». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- شکارچی، علی اکبر. «برومند؛ انسان، هنرمند، مرفی». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- علیزاده، حسین. «استاد برومند و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- _____ . «از اولین تا آخرین دیدار». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- قهرمانی، اسماعیل. «درختی برومند». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- کامکار، پشنگ. «مردی بزرگ با روحی بزرگ». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- کریمی، احمد (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران. تهران: دوست، ۱۳۸۰.
- لطیفی، محمدرضا. «شیوه نوازندگی و نگرش استاد برومند به موسیقی سنتی ایران». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.
- میرعلی تقی، علیرضا. مدخل «برومند، نورعلی». در: دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۸.
- نیل، برنوو. «نورعلی برومند، استاد موسیقی». در: احمد کریمی (و.)، نورعلی برومند، زنده کننده موسیقی اصیل ایران.

پی نوشت‌ها:

۵۸-۶۰.

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان هنر
۲. اصغر بهاری، «نورعلی خان، موسیقی مجسم بود»، ۳۸.
۳. مهدی برکشلی، «مرگ برومند، فقدان جبران‌ناپذیر»، ۴۲.
۴. پشنگ کامکار، «مردی بزرگ با روحی بزرگ»، ۱۳۵.
۵. علی اکبر شکارچی، «برومند؛ انسان، هنرمند، مرئی»، ۱۱۷.
۶. روح‌الله خالقی، «خالقی از برومند می‌گوید»، ۲۸.
۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند (سند شماره ۳ در مقاله حاضر)، بایگانی راکد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.
۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶.
۹. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۶۶-۶۷.
۱۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۲. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۳. همان‌جا.
۱۴. برونو تیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۵. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۶. برونو تیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۰.
۱۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۱۸. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۴۷.
۱۹. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۰. برونو تیل، «نورعلی برومند، استاد موسیقی»، ۲۰۲.
۲۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۲. همان.
۲۳. همان.
۲۴. اسماعیل قهرمانی، «درختی برومند»، ۳۱-۳۲.
۲۵. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۶. محمدعلی حدادیان، «استاد استادان»، ۸۳.
۲۷. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۲۸. همان.
۲۹. همان.
۳۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند»، ۵۶.
۳۱. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۳۲. پرونده پرسنلی نورعلی برومند، سند ش ۳۳۱۳.
۳۳. همان‌جا.
۳۴. پرونده پرسنلی نورعلی برومند، سند ش ۶۸۸۵.
۳۵. همان، ضمیمه سند ش ۶۸۸۵.
۳۶. پرونده پرسنلی نورعلی برومند.
۳۷. همان، ضمیمه سند ش ۴۵۸۱.
۳۸. همان، صورت جلسه مورخ ۱۳۵۵/۸/۲۶ شورای دانشکده.
۳۹. حسین علیزاده، «استاد برومند و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ملی»، ۲۲۵.
۴۰. محمودعلی برومند، «گفت‌وگو با مهندس محمودعلی برومند».